

الف) القاء تلویحی گرایش های فمینیستی در رسانه ها

قبل از انقلاب اسلامی در ایران رسانه ها چهره ای مخدوش و بی هویت از زن ایرانی ارائه دادند. زنان در نقش افراد اغواگر یا دخترکی معصوم و بی کفایت یا زنی خانه دار و سنتی که عموماً بی سواد و متعلق به طبقه پایین اجتماع بود، نشان داده می شدند.

پس از انقلاب اسلامی و تحولات عظیم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حضور زنان در رسانه ها تعریف جدیدی یافت که علیرغم چالش های بسیار تاحدودی توانست جایگاه مناسب تری برای آنان در این وادی ترسیم کند. امروز چهره زنان در صداوسیما علی رغم همه تلاش هایی که صورت می گیرد، روایت از حضور نامنسجم، بی هویت و گاه تحقیر شده دارد؛ برای مثال در برخی سریال های تلویزیونی زنان موجوداتی حسود، فتنه گر، کم عقل و فاقد شخصیت در خور شأن زن مسلمان و ایرانی نشان داده می شوند و حاکی از این هستند که اغلب این برنامه ها فاقد بررسی های کارشناسانه و الگوهای سازگار با شرع، عرف و فرهنگ غنی ایرانی هستند. این دیدگاه بر باورهای غلط سنتی دامن می زند و به انزوا کشاندن زنان یا منفعل کردن آنان منجر می شود. از سوی دیگر امروزه در غرب نشانه های مدرنیته در رویکردهای گوناگون فمینیستی متجلی است. مدرنیته زنان را از چشم انسان بعد رنسانس نگاه می کنند. انسانی که از ساحت قدسی جدا شده و دنیای رسانه ای نیز با قدرت تمام ارزش های مادی این تفکر را تزویج می کند. در این دیدگاه مرد و زن، دو رقیب و همورد هستند که هر یک سعی می کنند سهم بیشتری از قدرت به دست بیاورند. زنان به جای اصل تساوی حقوق میان مرد و زن ناچار به دنبال اصل تحریف نشده تشابه هستند. آنان به جای اینکه زن باشند تلاش می کنند کارهای مردانه را انجام دهند تا ثابت کنند قوی هستند.

رسانه های داخلی نیز عمدتاً تحت تأثیر دو گفتمان سنتی تاریخی و گفتمان مدرن هستند و البته حضور گفتمان مدرن بسیار بیشتر از گفتمان های سنتی و تاریخی است که در آن زن مجبور و عقب مانده است. زن در دیدگاه فمینیستی رسانه ها، چهره ای جلوه گر و زینت آرا دارد. شخصیت های مثبت در این دیدگاه، پرخرج، متکبر، بی هنر، کم صبر، حاکمیت جو، بزک کرده، در پی بذله گویی و اختلاط با بیگانگان، در فکر برداشت مرزهای تناسبات جنسیتی و متهم کننده زنان دیگر به پرداختن نقش های کلیشه ای اند. این نگرش بر حقوق منهای اخلاق تأکید می کند و بر این باور است که اصلاح قانون می تواند تمامی مشکلات زنان جامعه را برطرف کند.

در این دیدگاه، نمایش حضور اجتماعی زن؛ یعنی آرتیست بازی و هفت تیرکشی، زندانبان و پلیس بودن، خشونت مردانه داشتن، فعالیت اقتصادی وی؛ یعنی راننده اتوبوس و کامیون شدن، اشتغال تمام وقت داشتن و با نوار ضبط صوت توضیحات لازم را به اعضای خانواده دادن، فعالیت علمی وی، یعنی پر روشنفکری دادن. دیدگاه فمینیستی معتقد است که باید میزان اخبار زنان و مردان در رسانه ها یکسان باشد؛ باید کارکنان زن و مرد

به یک اندازه باشند، پایه فعالیت های اقتصادی یکسان باشد و زنان را تشویق کنیم تا موقعیت های اقتصادی را از دست مردان برپایند.

دیدگاه فمینیستی با عینک اقتصادی به تمامی پدیده ها می نگرد؛ حیثیت مادری و همسری زن را با محاسبه اقتصادی بر باد می دهد و زن مسلمان را به دلیل برخورداری از حمایت همسر تحقیر می کند.

برای نمونه در یک تئاتر، زن و شوهری به ظاهر در شرایط رفاهی خوبی در کنار هم زندگی می کنند، ولی در بینش و طرز تفکر با هم اختلاف دارند و هر یک از زاویه دید خود زندگی را معنا می کنند. در این داستان زن ورزشکار است، موسیقی می داند و با رایانه کار می کند، نمونه زنی است که سعی دارد کلیشه های رایج یک زن سنتی را بشکند. گفتمان حاکم بر این نمایش، فمینیسم هم ذات و تشابه طلب است، نه تساوی خواه. زن برای اینکه نشان دهد از سنت گذر کرده است، در هیئت یک ورزشکار مشت زن ظاهر می شود. این ورزش ماهیتی کاملاً مردانه دارد و با تمام ویژگی های زنانه ناسازگار است. در این شخصیت پردازی زن تلاش می کند با تشبیه خود به مردان، مرزهای شخصیت سنتی تاریخی را بشکند و بدین وسیله در کنار مردان، جایگاهی دست و پا کند.

رسانه های مکتوب نیز به خصوص کتاب و رمان های موجود در بازار، در پی ترویج زنی به ظاهر آزاد و یا به دنبال رهایی از مشکلات زن بودن در دیدگاه تاریخی و سنتی، ناچار از مرزشکنی و هنجارشکنی و عبور از همه ارزش های اجتماعی، به خصوص ارزش های دینی می شوند. دلیل اینکه عبور از ارزش های دینی در این کتاب ها و رمان ها توجیه می شود، این است که زن با هویت سنتی را مساوی زن با هویت دینی قرار می دهند و برای گریز از هویت سنتی، شکستن ارزش های دینی را مطلوب و بلکه ضروری می شمرند. در رسانه های صوتی و تصویری از قبیل رادیو، تلویزیونی و سینما وضع تفاوت چندانی ندارد.

در برنامه های طنز، هر وقت طنزی درباره زنان نوشته می شود، حتماً مربوط به حسادت، پرحرفی، بی منطقی و جیغ و داد بی دلیل آنان است؛ نگاهی که حاکی از حاکمیت گفتمان تاریخی سنتی زنان بر این نوشته ها است؛ مجموعه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی، روایتگر حاکمیت بی چون و چرای گفتمان ایدئولوژیک مدرنیته است. رفتار تند و بعضاً توهین آمیز زنان با همسرانشان، بی مسئولیتی در قبال خانواده، توجه بیشتر به روابط بیرون خانه، نشان دادن بی پروایی به عنوان یک ارزش و حیا و شرم به عنوان یک ارزش سنتی کهنه شده و فاقد وجاهت و بی ارزشی نقش مادری، نمونه هایی از این مسئله است. برای مثال در یکی از مجموعه ها زنی در نقش مادر در اعتراض به مشکلات مادی با لحنی تند و حالتی هیجانی گفت: «آدم سگ بشه، بهتره که مادر بشه.»

گفتمان حاکم بر این کلام، مدرنیته در قبال سنت است؛ زیرا از طرفی نقش مادری را پست و بی مایه بیان می کند و از طرفی بر ضعف زنان در ایفای نقش های خود تأکید دارد.

نگاه و گفتمان مدرنیته، مسئولیت مادری را بر نمی تابد، مادری و مادرشدن، باری جانکاه بر دوش زن مدرن است که نمی خواهد هیچ مسئولیتی در قبال خانواده داشته باشد.

راه حل هایی که در مجموعه ها و فیلم ها برای مسایل زنان مطرح می شود، غالباً در نفی سنت است و از آنجا که گفتمان حاکم دیگری سنت را مساوی دین فرض می کند. در حقیقت به یک معنا مساوی با نفی دین می شود و بیانگر حاکمیت انواع گفتمان های ایدئولوژیک مدرنیته است. [1]

در بینش اسلامی، زن موفق رسانه ای، زنی است شوهردوست که سرپرستی او را به دلیل آنکه خانواده نیازمند سرپرستی واحد است، می پذیرد، نه از آن جهت که موجودی ذلیل و بی صلاحیت است؛ تربیت فرزند را باعلاقه و

با برداشتی روشن از نقش مادر در اصلاح جامعه انجام می دهد؛ در عین صرفه جویی هنرمند است؛ از هنر و خانه داری خود برای تسخیر قلب همسر و آرامش فرزندان بهره می جوید؛ وقت آزاد خود را در خانه با مطالعه کتاب های تربیتی، قرآن و دعا، تاریخ اسلام و مطبوعات و نشریات وزین پُر می کند؛ در کارهای خارج از خانه، فعالیت های هنری، علمی، تربیتی و آموزشی، کارهای متناسب با روحیه زنانه را ترجیح می دهد. در فعالیت های اجتماعی با بیگانگان، حریم ها را نگه می دارد؛ در مقابل شوهر آراسته و در مقابل بیگانگان خودنگهدار است، محیط خانه را با سخنان سبک و الفاظ رکیک آلوده نمی کند، صبور و مقاوم است، اما چون آسیه که اراده خود را مقهور اراده دیگران نکرده است؛ به حفظ احکام شرع اهتمام می ورزد و همسر را به ادای حقوق شرعی وادار می سازد. [2]

(ب) زن، خانواده، سیما (آسیب ها راهکارها)

1. آسیب های شخصیت پردازی زن در سیما و راهکارها

نمایش وضعیت انفعالی زنان در مقابل مشکلات: مانند: ارائه چهره ای ناکارآمد، توسری خور و... ارائه چهره ای فعال از زنان در خانواده و جامعه؛ مدیریت قوی، مشاور و... خرافاتی نشان دادن زنان، خصوصاً زنان مسن در برنامه های سیما نمایش زنان به عنوان افرادی باتجربه، کارآمد و نکته بین نمایش شخصیتی غرغرو و بددهن از زنان خصوصاً زنان مسن نمایش زنان خوش اخلاق و خوش برخورد با ارائه دیالوگ های شیرین و جذاب ارائه چهره ای کوتاه بین و بی فرهنگ از زنان نمایش زنان با فرهنگ و بینش بالا ارائه چهره ای متبرج، تجمل گرا، مصرف زده از زنان نمایش زنان به عنوان افرادی صرفه جو قانع و به دور از تجملات در برنامه های سیما

2. آسیب های نمایش زن در سیما در برخورد با همسر و راهکارها

استفاده از کلمات توهین آمیز و پرخاشگرانه توسط زنان در ارتباط با شوهر به ویژه در مقابل سایر اعضای خانواده استفاده از کلمات محبت آمیز و احترام آمیز توسط زنان در ارتباط با همسر بی توجهی به درددل ها و خواسته های همسر توجه کامل به درد دل ها و خواسته های همسر عدم آشنایی زنان با عقاید و روایات همسر نشان دادن آشنا بودن زنان با عقاید و افکار همسران بی توجهی زنان نسبت به زحمات و تلاش های همسر استفاده از دیالوگ های مناسب در زمینه قدردانی از همسر کم رنگ جلوه دادن نقش مدیریتی مرد در خانه توسط زن تثبیت نقش مدیریتی مرد در خانه توسط زن نمایش بدگویی از همسر و خانواده همسر نزد دوستان و اقوام

حمایت معنوی از همسر برای حفظ بنیان خانواده نزد اقوام و دوستان

3. آسیب های نمایشی زن در سیما در برخورد با فرزندان

عدم درک مشکلات و خواسته های فرزندان در مقاطع مختلف سنی
توجه مادران به خواسته های معقول فرزندان و درک صحیح از آنها
برخوردهای نامناسب و سطحی با فرزندان
نمایش برخوردهای صحیح و مناسب با اصول تربیتی با فرزندان
تبعیض قائل شدن بین فرزندان خصوصاً دختر و پسر و ایجاد مشکلات روحی روانی
عدم نمایش تبعیض بین فرزندان و رعایت تساوی در برخورد با هر کدام
نمایش ارتباط ضعیف مادر با فرزندان خصوصاً نوجوانان و جوانان
نمایش ارتباط صمیمی مادر با فرزندان
عدم نظارت والدین جهت استفاده صحیح فرزندان از امکانات
آموزش ارائه الگوی مصرف صحیح به فرزندان توسط والدین به ویژه مادر
عدم به کارگیری نام و یاد خداوند و ائمه (ع) به شکل ملموس در موقعیت های مختلف و حساس
یادآوری نام و یاد خداوند و ائمه (ع) در موقعیت های مختلف مانند سر سفره، موقع خواب و... توسط مادر به
شکل ملموس
نمایش بگومگوهای زن و شوهر مقابل فرزندان و ایجاد استرس روانی بر آنها
نمایش گفت و گوهای منطقی زن و شوهر در غیاب فرزندان و تأکید بر آن
کم اهمیت جلوه دادن نقش مادری در مقابل کار خارج از خانه در فیلم و سریال ها
نمایش دادن برنامه ریزی صحیح در زمینه فعالیت های خانگی به ویژه نقش مادری توسط زنان
برخوردهای توهین آمیز و غیرمنطقی با دختران دم بخت و استفاده از دیالوگ های نامناسب
لزوم برخورد صحیح توأم با احترام با دختران در خصوص ازدواج
عدم استفاده از تجربیات مادر بزرگ ها در تربیت فرزندان
نمایش مناسب انتقال تجربیات مادر بزرگ ها به نوه ها در طول فیلم ها و سریال ها
عدم توصیه به فضایل فردی و اجتماعی توسط مادر
تقبیح دروغگویی، غیبت، سخن چینی و... و بیان آثار شوم آن از طرف مادر
تک روی والدین به خصوص مادر در مسایل تربیتی فرزندان
استفاده از نظرات همسر در موضوعات مختلف تربیت فرزندان

تأثیر رسانه های مدرن بر خانواده (فریده پیشوایی)

ما در دوران خاصی قرار گرفته ایم که در آن ویژگی های جدیدی نسبت به گذشته در حال ظهور است. شاید مهم ترین خصیصه قرن حاضر، ظهور نتایج چیزی است که از آن به عنوان انقلاب ارتباطات یاد کرده اند. دنیای مجازی اینترنت، ماهواره و شبکه های جدید ارتباط در جامعه و در خانواده آن قدر نفوذ کرده است که می توان گفت به نظام خانواده هویت جدیدی بخشیده... انقلاب ارتباطات در عین حال که جامعه را به سمت سرعت و پیشرفت

سوق داده است؛ زیربنای آن جامعه را بعضاً در معرض خطر قرار داده است. برخی از آسیب های وارده در حوزه خانواده را می توان چنین ارزیابی کرد:

1. رسانه های ماهواره ای، دیوارهای خانواده را هرچه بیشتر نفوذپذیر ساخته و حوادث را نه تنها در سطح ملی که در سطح جهانی به خانه ها وارد می کنند.
 2. خانواده شکل سنتی و ملی خود را از دست می دهد.
 3. خانواده دیگر محل استراحت و آرامش نیست، می توان در آن کارکرد یا به برقراری ارتباط با دنیای خارج پرداخت.
 4. طرز چیدن مبلمان و اثاثیه خانواده تحت تأثیر رسانه برای مثال تلویزیون یا رایانه قرار می گیرد.
 5. معماری خانه ها به دلیل حضور رسانه های نوین تغییر می یابد.
 6. رابطه انسان با انسان، جای خود را به انسان و اشیاء می دهد و در واقع پدیده شی سروری اتفاق می افتد.
 - بدین صورت که افراد میل به گفت وگو دارند و کار با یارانه و استفاده از ماهواره جای خود را به روابط انسانی می دهد.
 7. هر یک از افراد خانواده تنها به اتاق خود می رود و برنامه مورد علاقه خود را دریافت می کند؛ یعنی خانواده تکه تکه می شود و لزوم حضور فیزیکی آنها برای دریافت برنامه در کنار یکدیگر از بین می رود.
 8. عواطف انسانی خانواده دستخوش تغییر می شود.
 9. عادات خانواده تغییر می کند؛ برای مثال ساعات غذا خوردن با رسانه ها تطبیق می یابد، افراد حتی چای، صبحانه و شام خود را روی میز کامپیوتر می خورند و نوع غذا به دلیل استفاده هرچه بیشتر از رسانه ها تغییر کرده و ساده تر می شود.
 10. به دلیل حجم زیاد اطلاعات، کودکان به بلوغ و بزرگی زودرس دچار می شوند.
 11. تفاوت بین آنچه از طریق رسانه ها دریافت می شود و آنچه در زندگی واقعی وجود دارد خانواده را دچار تضاد می کند.
 12. ارزش های خانواده مخدوش می شود.
- و...

رمضان و رسانه ملی (محبوبه ابراهیمی)

اشاره

پخش سریال های مناسبتی به ویژه در شب های ماه مبارک رمضان، تقریباً به سنتی همیشگی تبدیل شده است به طوری که پیش از شروع ماه رمضان برخی به این می اندیشند که در رمضان امسال چه موضوعاتی دست مایه ساخت سریال ها قرار گرفته است؟

اهمیت این قبیل سریال ها از این جهت است که قشر عظیمی از مردم بیننده دایمی آنها بوده و یا حداقل در جریان داستان ها قرار دارند.

در بررسی آنچه در سال های گذشته از شبکه های مختلف تلویزیون در ماه ضیافت الهی پخش شده است نقاط قوت و ضعفی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می گردد.

نکات مثبت سریال های ماه مبارک رمضان

کمک به ایجاد فضای معنوی در سطح جامعه

با توجه به شواهد آماری مبنی بر افزایش معنویت در میان افراد جامعه و نیز کاهش جرایم و ناهنجاری های اخلاقی در ماه مبارک رمضان، پخش سریال های مذهبی و اخلاقی نقش بسزایی در گرایش بیشتر مردم به معنویات دارد. چنانچه در برخی مجموعه ها به لحاظ ایجاد تحول در شخصیت های داستان به ویژه همزمان با نزدیک شدن به شب های قدر این تأثیر گذاری در مخاطب افزایش می یابد.

بهره مندی از مشاور مذهبی در سریال ها

در تیتراژ پایانی سریال هایی که محوریت دینی دارند، با عنوان «مشاور مذهبی» مواجه می شویم که حاکی از بهره مندی مجموعه از پشتوانه دینی است. این امر پسندیده، چنانچه با بهره مندی از شخصیت های نامدار و موجه و یا گروه کارشناسی مذهبی، همراه باشد، قطعاً اطمینان بیشتری ایجاد نموده و بار مثبت تأثیر گذاری فیلم افزایش یابد.

پخش سریال ها با فاصله از اذان مغرب و عشاء

از آن جا که پس از یک روز کامل روزه داری، اقامه نماز اول وقت، پیش از افطار، دارای فضیلت فراوانی است، تدبیر جدید صدا و سیما (که برای اولین بار در سال گذشته انجام شد) و ایجاد وقفه میان اذان مغرب و عشاء و پخش سریال ها، این فرصت را به تماشاگران می دهد تا در پایان روزه داری، در اوقات ملکوتی اذان و دقایقی پس از آن، خلوتی با پروردگار خویش داشته و پس از راز و نیاز نیز، در ابتدای افطار، با دعا و تقرب به درگاه الهی، روزه خود را افطار نمایند نه با تماشای فیلم.

ایجاد فاصله میان سریال ها

در شب های ماه مبارک، مسابقه ای میان شبکه های مختلف به وجود می آید تا بلافاصله پس از هم، به نمایش سریال ها بپردازند. خوشبختانه در سال گذشته این امر، تغییر یافته و سریال ها با فاصله زمانی از هم پخش شدند تا تماشاگران فرصتی برای برخاستن از پای تلویزیون بیابند. همچنین تدبیر جدید صدا و سیما در پخش سخنرانی مراجع عظام در فاصله 15 دقیقه تا شروع سریال های هر یک از شبکه های سیما، فرصتی است تا اذهان بینندگان فقط با فیلم پر نشود.

باور پذیر بودن برخی از مجموعه ها

در برخی از سریال ها، فضایی ایجاد می شود که تماشاگر، شخصیت ها و داستان فیلم را باور نموده و ارتباط قلبی با آن برقرار می کند و از این رو با دقت فراوان به پیگیری آنها می پردازد و پیام های فیلم را به خوبی دریافت می کند. البته این مسئله در مورد سریال های طنز که در ماه مبارک پخش می شوند، بیشتر صادق بوده [3] و چنانچه این امر در سریال هایی با محوریت دینی هم تبلور یابد، پیام های دینی راحت تر منتقل می شوند.

نمایش خطا پذیر بودن همه انسان ها

همچنانکه بر اساس تعالیم دینی، غیر از معصومین تمامی انسان ها در معرض خطا و اشتباه قرار داشته و لذا باید همواره مراقب اعمال و رفتار خود باشند و به عبادت ها و خوبی های خود غره نشوند، نمایش شخصیت هایی که به واسطه مغرور شدن به اعمالش آنکه در دام شیطان قرار می گیرند، تلنگری برای همه اقشار جامعه می باشد.

گنجاندن سریال های طنز در میان سریال ها

پخش سریال طنز، عموماً از شبکه سوم سیما در ماه مبارک رمضان تقریباً به قاعده ای تبدیل شده که بی شک اگر این مجموعه ها قوی و هدفمند تولید شوند، تأثیرشان فوق العاده خواهد بود و علاوه بر نشان دادن خنده بر لب های میهمانان ضیافت الهی پیام های مفیدی را در قالب طنز و خنده به مردم انتقال می دهند.

نکات منفی سریال های ماه مبارک رمضان

عادی جلوه دادن مسایل ماورایی

ورود به مضوعات ماورایی در چند سال اخیر در تعدادی از سریال ها به سوژه اصلی تبدیل شده است. مرگ و عالم پس از آن، بهشت، جهنم، برزخ، به تصویر کشیدن شیطان، چشم برزخی، شفا توسط قرآن و... از جمله موضوعاتی هستند که توجه تولید کنندگان را به خود جلب نموده اند. اما متأسفانه در پاره ای موارد با این مسایل به حدی عادی برخورد شده و معمولی نشان داده می شوند که به عنوان مثال با پیوند چشم فردی به دیگری، وی دارای چشم برزخی می شود [4] در حالی که چنین چیزی در عالم واقع امکان پذیر نبوده و داشتن چشم برزخی به این آسانی نمی باشد. یا اینکه زنی به راحتی با ورود به عالم برزخ، از جایگاه سایر افراد زنده خانواده باخبر شده و بهشتی و جهنمی بودن اطرافیانش را به روشنی می داند. [5] در حالی که چنین مسئله ای تقریباً نادر بوده و افرادی با فضایل خاص، قادر به دستیابی به چنین قدرتی خواهند بود. یا اینکه پیر مردی از وقوع حادثه ای خبر می دهد که سایرین از آن بی خبرند [6] در حالی که چنین غیب گویی ای، شایسته انبیاء و پیامبران است نه مردم عادی. همین طور مسائلی نظیر شفا دادن با قرآن آن قدر ساده پردازش می شود [7] که درصدی از مخاطبین را قانع نکرده و گمان می کنند که هر انسانی قادر به انجام چنین کاری ست حال آنکه چنین اموری اگر چه ممکن هستند اما آسان نیستند!

ماورایات، جایگزین عقلانیت

آنچه انسان ها موظف به عمل بر حسب آن هستند، معیارها و ملاک های ظاهریست نه مسایل پشت پرده. متأسفانه این مسئله در برخی مجموعه های تلویزیونی کاملاً جنبه عکس یافته و مثلاً یک خواب، ملاک فرد برای نجات انسان ها قرار می گیرد و یا دیدن جایگاه برخی افراد توسط یک فرد، سبب تلاش او برای نجات ایشان از جایگاه و کیفر شان می شود. [8] در حالی که عمل بر اساس امور ظاهری، بسیار عقلانی تر است تا آنچه بر حسب رؤیا در ذهن انسان تداعی می شود. در موردی دیگر، فردی از طریق چشم برزخی، باطن انسان ها را رصد کرده و از نیت های شومشان برای انجام گناهی که هنوز مرتکب نشده اند مطلع شود و بر همین اساس دست به قتلشان می زند تا مرتکب گناه نشوند! [9]

مسئله اینجاست که چرا این مسایل باید از داشتن چشم برزخی و یا دیدن رؤیای صادقه نشئت بگیرد که باورپذیری آن برای مردم مشکل بوده و پردازش آن تخصصی ویژه و مهارتی خاص می طلبد. در حالی که می توان این موارد را با کنار هم قرار دادن عوامل ظاهری و منطقی به مخاطب فهمیم، ارائه نمود که بی شک از عمل بر حسب دیدن حال و گذشته آدم ها در رؤیا یا توسط چشم برزخی، باورپذیر تر بوده و با اقبال بیشتری مواجه می شود.

شبهه افکنی در دین

وارد شدن به مقولات دینی و نمایش آنها، حساسیت های ویژه ای را می طلبد که حداقل آن این است که سازندگان مجموعه ها با مبانی دینی آشنایی داشته و توانایی تشخیص حقایق دینی از اسرائیلیات و تحریف ها را

داشته باشند. مثلاً نمایش اموری از قبیل واسطه بودن حوا در اغفال آدم برای خوردن میوه ممنوعه و طرد او از بهشت، [10] که روایتی توراتی از داستان آدم و حوا است جایگزین حقیقت قرآنی می شود که به تعبیر قرآن شیطان هر دو را به طور هم زمان فریب داد (فَازَلَهُمَا الشَّيْطَانُ) و یا مقولاتی نظیر شیطان چنان پردازش می شود که دارای توانایی فوق العاده بوده و حتی می تواند از آینده و امور غیبی خبر دهد [11] درحالی که به تعبیر قرآن تنها خداوند آگاه به امور غیبی است (لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ)

ارتباط آزاد و نامحدود با نامحرم

در برخی سریال ها، آن قدر روابط دو فرد نامحرم که بر اثر ماجراهایی با هم آشنا شده اند، بی حد و حصر نشان داده می شود که حتی یکدیگر را با اسم کوچک صدا می زنند [12] در مورد افراد به ظاهر محرم با یکدیگر اعم از خواهر و برادر یا زن و شوهر اگر چه در متن فیلم این انسان ها با یکدیگر محرم تعریف شده اند، اما باید توجه داشت که ضمیر ناخودآگاه مخاطب، واقف به این امر است که این دو در عالم حقیقت با هم نسبتی نداشته و تنها به واسطه قرار گرفتن در دو نقش مجاور، در کنار یکدیگر هستند. نگاه های طولانی، لبخند های عاشقانه، و حتی تبادل تعابیر عاشقانه، از جمله مسایلی هستند که باید مورد توجه و تأمل قرار گیرند تا مسیر را به کژ راهه نبرند.

بی توجهی به مسئله حجاب

یکی از عمده ترین معضلات فرهنگی جامعه که متأسفانه از سوی رسانه صدا و سیما نیز مورد کم لطفی قرار گرفته و مصادیق آن در سریال ها و حتی مجموعه های ماه مبارک نیز دیده می شود، کم توجهی به حجاب است؛ استفاده از آرایش های غلیظ برای بازیگران زن و حتی در مورد زنی که قرار است متدین و اهل نماز شب و دارای چشم برزخی باشد [13] باعث تأسف فراوان می شود. حال آنکه حفظ حجاب و عدم آراستگی در برابر نامحرمان از اصلی ترین جلوه های ظاهری تدین بانوان است که از عفاف ایشان نشأت می گیرد و در حقیقت واجب نبودن پوشش صورت زنان در اسلام، مشروط به آراسته نبودن آن است.

متأسفانه در برخی از سریال ها نیز حجاب چادر را تنها برای زنی قرار می دهند که دارای همسری بی دست و پا و کم خرد است و سایر اعضای فیلم فاقد این حجاب برتر هستند. [14] نکته تأسف بار تر استفاده از زن بی حجاب در سریال محصول مشترک ایران و کشور مسلمان تاجیکستان است که لهجه فارسی زن، ایرانی و فارسی زبان بودن وی را در ذهن تداعی می کند [15] و البته این نکته مهم غفلت شده که دیدن چهره بی حجاب زن کافر دارای اشکال نمی باشد در حالی که تاجیکی ها مسلمان بوده و دیدن زن مسلمان بی حجاب، دارای اشکال شرعی می باشد.

تضعیف جایگاه خانواده

بی شک رسانه یکی از اصلی ترین نهادهایی است که می تواند با تولیدات غنی به حفظ و تحکیم نظام خانواده یاری رساند. اما متأسفانه در برخی از مجموعه های تلویزیونی و از جمله سریال های ماه مبارک، این جایگاه تضعیف شده است. مقصر جلوه دادن والدین در تمامی مشکلات پیش روی جوانان در مقابل نمایش تصویری مظلومانه و حق به جانب از فرزندان خاطی، تا جایی که دختری که با فرار از خانه و بدون اجازه پدر، با پسر مورد علاقه اش ازدواج کرده و به دنبال زندگی خود رفته، کاملاً قانونی نشان داده می شود از جمله شواهد این مدعاست. جالب اینکه در انتهای فیلم، پدر مجبور به عذرخواهی از فرزند می شود. [16] نظیر این موارد می تواند تهدیدی برای انسجام خانواده ها باشد.

خندانند به هر قیمت و با هر وسیله ممکن

اگر چه ایجاد نشاط و شادی در دل انسان ها به ویژه مؤمنان روزه دار، از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما متأسفانه برخی از مسایل غیر اخلاقی دست مایه خنده مخاطب قرار می گیرد که موجب انهدام ارزش ها و حرمت ها و از بین رفتن شرم و حیا می شود. مثلاً حضور در دستشویی در پلان های مختلف سریال، [17] رفتارها و حرکات ناپسند و تعابیر زشت از جمله مواردی هستند که در حقیقت طنز را به ورطه ابتذال می کشانند. بدتر اینکه چهره افراد دست مایه خنده قرار گرفته و اخیراً با توهین به دختران سنتی جامعه، چهره دختر خانواده به دلیل عدم آراستگی به سوژه خنده تبدیل شده و در مقابل، خواهر وی که دارای ظاهری آراسته و امروزی تر است مورد توجه قرار می گیرد. [18]

باور پذیر نبودن برخی از شخصیت ها

در برخی سریال ها، شخصیت های داستانی آن قدر مصنوعی و دور از ذهن اند که گاه بیننده از دیدن آنها و کارهایشان کلافه می شود. عموماً آدم های خوب، آن قدر خوب و دست نیافتنی و انسان های بد، آن قدر بد نشان داده می شوند که در عالم واقع نمی توان نظیرشان را یافت. مثلاً برای مؤمن و خوب نشان دادن زن خانواده، او را مادر شوهری نشان می دهند که عروس مرده اش را بیش از پسر زنده اش دوست دارد [19] از سوی دیگر انسان های زحمتکش و سالم که عموماً دنبال کسب لقمه حلال هستند، انسان های ساده و نادانی نشان داده می شوند که گویا در این دنیا زندگی نمی کنند. [20]

موضوعات خوب با پردازش ضعیف

در برخی مجموعه ها، علی رغم وجود سوژه خوب، پردازش و بازیگری ضعیف باعث به هدر رفتن مضامین قوی داستان می شود و در نتیجه هدف، ناکام می ماند. مثلاً در دنیایی که همه به دنبال زمین زدن دیگران برای بالا کشیدن خود هستند، خانواده ای که با تلاش و اتحاد اعضا، انسجام خود را حفظ کند و احترام بزرگ ترین فرد خانواده، محفوظ بماند از نوادر است. اما موضوعی با این اهمیت، به دلیل پردازش ضعیف و بازیگری دارای نقص، با اقبال عمومی مواجه نمی شود. [21]

بی محتوایی برخی سریال ها

از آن جایی که پخش سریالی که در ماه مبارک رمضان صورت می گیرد علاوه بر سر گرم کردن مردم باید جنبه فرهنگ سازی و معنویت افزایی داشته باشد و با هدف خاصی تولید شود، از این رو مشاهده سریال های بی محتوا با موضوعات دم دستی [22] موجب تأسف فراوان می شود. همچنین پخش سریال هایی با موضوع مشترک با سریال های سال های گذشته [23]، موجب اتلاف هزینه و وقت و به مرور زمان موجب عدم اقبال عمومی می گردد.

کلیشه ای بودن مسایل

تقابل خیر و شر، تحول انسان های گمراه و لغزش انسان های مؤمن، جست و جوی ثروت باد آورده، سوژه قرار گرفتن قشر بالاتر و یا پایین تر از قشر متوسط جامعه و... اگر چه موضوعات خوبی هستند اما با تکرار شدن به ورطه کلیشه ای شدن، کشیده شده و کلافگی و دل زدگی مخاطب را در پی خواهند داشت.

پیشنهادهایی در خصوص تولید و پخش سریال های ماه مبارک رمضان

با توجه به نقش ویژه این سریال ها که در بهترین ماه خدا و بهترین زمان در کشوری مسلمان تولید و پخش می

شوند، دقت نظر در تولید این مجموعه ها ضروری می نماید. چنانچه نقاط منفی ذکر شده از بین رفته و نکات مثبت، تعالی یابد شاهد تولید مجموعه های مفید تر از پیش خواهیم بود.

با توجه به حرکات و کلمات ناپسند سانسور نشده برخی سریال ها (کشیدن مواد توسط مرد معتاد در حضور کودک خردسال، افتادن گربه بر روی میت، انجام حرکات مضحک در مراسم تشییع جنازه و...) [24] که عموماً در سریال های طنز دیده می شوند، همچنین شبهات دینی که عموماً در مجموعه های مذهبی دیده می شوند، نیاز است شورای نظارت بر برنامه های سیما دقت ویژه ای در این باره منظور نموده و از ورود ویروس های مخرب فکری، به اذهان تماشاگران پیشگیری نماید.

مجموعه های تلویزیونی ویژه ماه مبارک، عموماً پس از افطار یعنی در زمانی که تمام اعضای خانواده اعم از زن و مرد و بزرگ و کوچک دور هم جمع شده اند پخش می شود، لذا مخاطب این برنامه ها را تمامی مقاطع سنی تشکیل می دهند و از این رو محتویات برنامه ها باید متناسب با تمامی افراد، طرح ریزی شود. از آن جایی که به نظر می رسد تلاش در جهت القای معنویات در برخی از سریال های ماه مبارک در محوریت کار قرار دارد، چنانچه هر سال، سریالی 30 قسمتی از زندگانی پربرکت یکی از اهل بیت (ع) و یا سایر بزرگان دینی که مصداق بارز معنویت و ایمان اند، تولید و در شب های ماه مبارک پخش می شود، تأثیر و ماندگاری ویژه ای در اذهان داشته باشد.

برخی هنرپیشه ها به جهت سابقه ذهنی مردم از نقش هایی که در سینما و تلویزیون داشته اند، عموماً شایستگی پذیرش نقش های مثبت را ندارند و به تعبیر دیگر، ایفای نقش های مثبت توسط ایشان فوق العاده باورناپذیر می باشد. لذا لازم است دقت عملی در انتخاب نقش های کلیدی که قرار است جنبه انتقال پیام فیلم بیشتر بر روی آنها متمرکز باشد، انجام گیرد.

نیاز به خودسازی در کنار تحمل تشنگی و گرسنگی، یکی از اساسی ترین مسایل و فلسفه های ماه رمضان است. چنانچه مجموعه های تلویزیونی بتوانند با نمایش راه های خودسازی در این مهم تماشاگران را یاری نمایند، گام مؤثری در این مسیر متعالی برداشته اند.

تاکنون در ماه مبارک، چهار سریال متفاوت از چهار شبکه سیما پخش می شدند که تناوب آنها تا ساعات پایانی شب تماشاچیان را پای تلویزیون می نشاند. شاید بهتر باشد به جای چهار فیلم، دو فیلم قوی تولید شود تا از اتلاف هزینه ها و وقت عمومی جلوگیری شود.

امید که آنچه بیان گردید بتواند راهگشای فیلم سازان فهیم کشورمان در تولید مجموعه های فاخر در سال های آینده باشد.

پی نوشت ها :

[1]. جمعی از نویسندگان فمینیسم، تدوین سیدحسین اسحاقی، مرکز پژوهش های اسلامی، آبان 1385، صص 165 تا 179. (با تلخیص)

[2]. مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، به سوی نقطه تعادل، نگرشی بر چهره زن در رسانه ها، مرداد 76، صص 16 18.

[3]. سریال های «خانه به دوش» و «ترش و شیرین» شبکه سوم سیما.

- [4]. «آخرین گناه» شبکه دو سیما.
- [5]. «روز حسرت» شبکه اول سیما.
- [6]. «صاحب‌دلان» شبکه اول سیما.
- [7]. «صاحب‌دلان» شبکه اول سیما.
- [8]. سریال‌های «کمکم کن» از شبکه دوم سیما و «روز حسرت» از شبکه اول سیما.
- [9]. «آخرین گناه» شبکه دوم سیما.
- [10]. «میوه ممنوعه» شبکه دوم سیما.
- [11]. «اغما» شبکه اول سیما.
- [12]. «کمکم کن» شبکه دوم سیما.
- [13]. «روز حسرت» شبکه اول سیما.
- [14]. خواهر نادر در «بزن‌گاه» شبکه سوم سیما.
- [15]. «شکرانه» شبکه پنجم سیما.
- [16]. «میوه ممنوعه» شبکه دوم سیما.
- [17]. «بزن‌گاه» شبکه سوم سیما.
- [18]. «بزن‌گاه» شبکه سوم سیما.
- [19]. «روز حسرت» شبکه اول سیما.
- [20]. پدر خانواده در سریال‌های «یک وجب خاک» و «خانه به دوش» شبکه سوم سیما.
- [21]. «مثل هیچ کس» شبکه دوم.
- [22]. «اگه بابام زنده بود» شبکه اول سیما و «مأمور بدرقه» شبکه پنجم سیما.
- [23]. «رسم عاشقی» با تقلید از «شب دهم» شبکه پنجم سیما و «اغما» با تقلید از «او یک فرشته بود» شبکه اول.
- [24]. «بزن‌گاه» شبکه سوم سیما.